

اقتصاد اسلامی

پدیدآورنده (ها) : تسخیری، محمد علی

علوم اجتماعی :: نشریه نامه فرهنگ :: زمستان ۱۳۷۴ - شماره ۲۰

صفحات : از ۷۰ تا ۷۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/745889>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



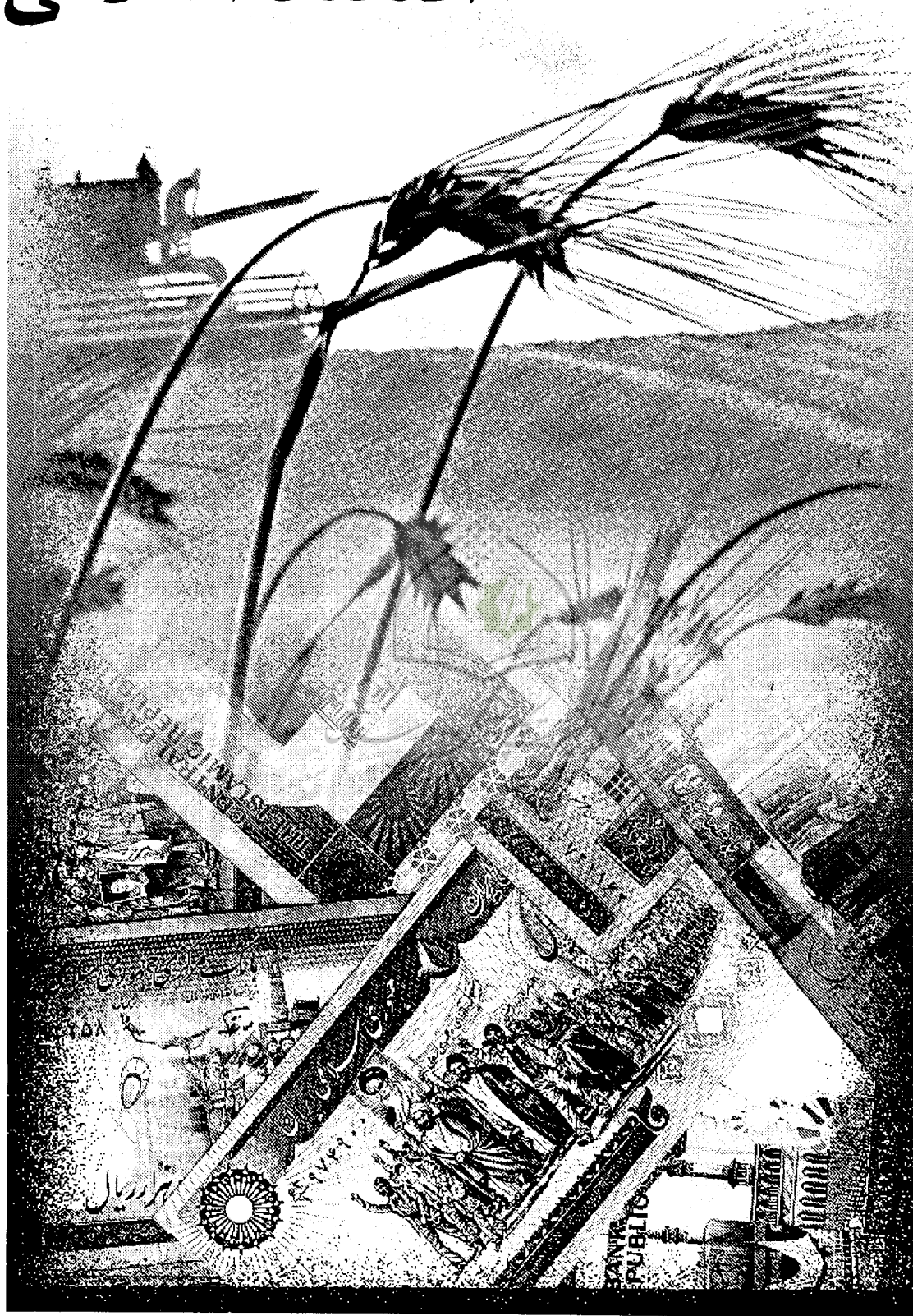
مقالات مرتبط

- استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی (قسمت چهارم)
- تبیین تحولات اجتماعی از دیدگاه امام علی(علیه السلام) در نهج البلاغه
- جنگ، غیر نظامیان و حقوق بشر دوستانه در اسلام
- سزارین انتخابی؛ رویکردی است اخلاقی یا غیر اخلاقی؟
- اسلام و ناسیونالیسم
- اسلام در چین
- تحلیلی بر قشر بندی اجتماعی در ادیان
- بررسی سودمندی اطلاعات حسابداری در ارزیابی ریسک بازار شرکتها در ایران
- عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به سزارین در زنان باردار
- بررسی و تحلیل مطالعات باستان شناختی پاسارگاد
- معیار در مالکیت معادن ظاهری و باطنی
- راهبردهای دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه؛ ارزیابی تطبیقی دوران بوش و اوباما

عناوین مشابه

- الگوی آونگی : چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران
- نقش معرفت های موضوعی در نظریه پردازی در علم اقتصاد اسلامی بر مبنای آرای شهید صدر
- فلسفه دانش اقتصاد اسلامی؛ تعریف، مسائل و روش
- اظهارنظر کارشناسی درباره: « طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۷ و الحاق موادی به آن »
- اظهارنظر کارشناسی درباره: « طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۷ و الحاق موادی به آن »
- تازه های نشر؛ بیت المال در اقتصاد و مالیه اسلامی
- ضرورت تغییر در سبک زندگی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و پیاده سازی مدیریت جهادی در جامعه اسلامی
- حسابداری اسلامی؛ ضرورت اقتصاد ایران
- نگاهی کلی به اقتصاد و بازار حج (با تأکید بر رفتار اقتصادی ایرانیان و نگاهی به کشورهای اسلامی در آن)
- اقتصاد اسلامی چگونه امکان پذیر است؟

اقتصاد اسلامی



حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی تسخیری

پایه‌ها و بستر عقیدتی - حقوقی

توجه کند و این نیازها را به گونه‌ای هماهنگ با دیگر نظام‌های هستی برآورده نماید؛ ثانیاً زمینه لازم را برای ایجاد و تحقق دو عنصر «معتقدات» و «انگیزه‌های عاطفی همسو» فراهم کند. واقع‌گرایی را نیز می‌توان مستلزم وجود این دو ویژگی اساسی دانست:

الف: در بر داشتن یک سلسله ضمانت‌های قانونی برای الزام کسانی که از طبیعت انسانی خارج شده‌اند و نیز اقلیتی که ایمان کامل یا پایبندی به مقتضیات ایمان را برنگزیده‌اند.

ب: برخورداری از انعطاف کامل برای همخوانی با متغیرهای زمانی و مکانی و ارائه راه‌حل‌های ثابت برای عناصر متغیر ناپذیر و راه‌حل‌های انعطاف‌پذیر برای برخورد با عناصر متغیر زندگی بشر.

ما برآنیم که اسلام، آنگاه که خود را به عنوان یک دین کامل عرضه داشته کاملاً بر حق بوده است زیرا هیچ‌یک از جنبه‌های زندگی انسان را مطلقاً نادیده نگرفته و نعمت را تمام کرده و به مثابه دینی که تا قیامت به کار بشر می‌آید مطرح شده است. اسلام اعلام می‌دارد که شریعت اسلامی واقع‌گرایانه و فطری است و هدف آن خدمت به انسان و تحقق غایات خلقت اوست؛ به آنچه خیر و پسندیده فطرت است فرمان می‌دهد و از آنچه فطرت نمی‌پسندد بر حذر می‌دارد و نهی می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید:

فَاقم وجهک للذین حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها لاتبدیل لخلق الله ذلك الذین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون (روم: ۳۰) - به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت آفریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

و می‌فرماید:

قل یا ایها الناس جاءکم الحق من ربکم (یونس: ۱۰۸) - بگو ای مردم، پیام راستین از جانب پروردگارتان برایتان فرا رسید.

و می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و لکرسول اذا دعاکم لما

بدیهی است هر نظامی که درصدد تحقق هدف‌های خود است ناگزیر باید واقع‌گرا باشد و اگر قرار باشد این نظام در زندگی انسان، به ویژه در درازمدت، به مورد اجرا گذارده شود باید در خدمت هدف‌های انسان و همسو با ساختارهای فطری او باشد. این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه قانونگذار ویژگی‌های فردی و اجتماعی انسان، روابط انسان‌ها با یکدیگر، پیوندهای حقیقی که میان آنها و طبیعت وجود دارد و روند تاریخی و نیازهای بنیادینی را که چنین پیوندی ایجاد می‌کند بشناسد و به این نیازها در مسیر تحقق کمال وجودی بشر و غایات آفرینش او توجه کند. به علاوه، نیازها باید به گونه‌ای هماهنگ برآورده شود به نحوی که به سایر نیازهایی که تابع نظام‌های دیگر است خدشه‌ای وارد نشود؛ جایگاه نظام یاد شده در مجموعه نظام‌هایی که نظام کلی هستی را تشکیل می‌دهند در نظر گرفته شود و نوعی تعادل خردمندانه در میان آنها برقرار گردد.

نظام مورد نظر هر قدر واقع‌گرا و دقیق باشد و در درک واقعیت‌ها و نیازها خردمندانه برخورد کند و در برآوردن نیازها دقت و ظرافت داشته باشد، اگر زمینه‌های عقیدتی را فراهم نیاورده باشد ناتوان خواهد ماند. نظام باید این زمینه و امکان را برای افراد جامعه فراهم کند که نسبت به عالم هستی، انسان و طبیعت شناخت پیدا کنند و به عنصر ایمان مسلح شوند و از کشنده‌ترین بیماری‌های تاریخ، یعنی الحاد و بی‌ایمانی و اعتقاد به خدایان دروغین و نیز شک و تردید در امان بمانند. از سوی دیگر، تعادل شخصیت افراد جامعه در گرو آن است که میان معتقدات و انگیزه‌های ظاهری و باطنی و نیازهای عاطفی آنان هماهنگی و همسویی کامل وجود داشته باشد. اگر انگیزه‌ها و عناصر عاطفی نیرومند و مؤثر نباشند نخواهند توانست رفتار افراد را در زندگی فردی و اجتماعی شکل داده و فعالیت انسانی را پی‌ریزی کنند.

بنابراین، هر نظامی که در پی تحقق هدف‌های انسانی خویش است باید از این دو ویژگی برخوردار باشد: اولاً قانونگذار به تمامی واقعیت‌ها، پیوندها و نیازهای انسانی

يحييكم و اعلموا ان الله يحول بين المرء و قلبه و آتة اليه تحشرون (انفعال: ۲۴) - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فراخوانند که زندگیتان می‌بخشد، دعوتشان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و قلبش حائل است و همه به پیشگاه او گرد آورده می‌شوید.

همچنین خداوند متعال می‌فرماید:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَ الَّذِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مِنْهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف: ۱۵۷) - آنان که از این رسول، این پیامبر اُمی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند - آنکه به نیکی فرمانشان می‌دهد و از ناشایست بازشان می‌دارد و چیزهای پاک‌زه را بر آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاکه را حرام، و بارگزارشان را از دوش آنها برمی‌دارد و بند و زنجیرشان را می‌گشاید - پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاری‌اش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کردیم پیروی کردند، رستگارانند.

این سخن بر همان دلایلی تکیه دارد که نسبت آن را به آفریدگار بزرگ ثابت می‌کنند و بر علم خدا به همه حقایق هستی، قدرت کامل و مطلق او در ارائه شریعتی نجات‌بخش، لطف و عطوفت او نسبت به بندگانش و صفاتی این گونه که جز برای خداوند متعال نمی‌توان تصور کرد، گواهی می‌دهند. در اینجا در پی بحث و استدلال در مورد صفات خدا نیستیم و تنها به تأکید قرآن کریم بر لطف الهی و دانایی‌اش اشاره کرده و بدان بسنده می‌کنیم:

الَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَآيَةَ الْكُفْرَانِ (ملک: ۱۴ و ۱۵) - آیا آنکه آفریده نمی‌داند، حال آنکه او باریک‌بین و آگاه است؟ اوست که زمین را رام شما گردانید. پس بر آن سیر کنید و از رزق خدا بخورید. چون از قبر بیرون آید به سوی او می‌روید.

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ أَنَّهُ كَانَ بَعَادَةً خَبِيرًا

بصیراً. و من يهد الله فهو المهتد و من يضل فلن تجد لهم اولياء من دونه و نحشرهم يوم القيامة على وجوههم عمياً و بكمأ و صمأ ما أوهم جهنم كلما خبت زدناهم سميراً (اسراء: ۹۶ و ۹۷) - و شهادت خدا میان من و شما کافی است زیرا او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. و هر که را خدا هدایت کند، هدایت شده است و هر که را گمراه سازد، جز خدای برای او سرپرستی نیابی و در روز قیامت، در حالی که چهره‌هایشان رو به زمین است، کور و لال و کر محشورشان می‌کنیم و جهنم جایگاه آنهاست که هر چه شعله آن فرو نشیند، بیشترش می‌افروزیم.

پس از این مقدمه، سعی خواهیم کرد نکاتی را پیرامون موضوع‌های زیر که عمیقاً به بحث مورد نظر مربوط می‌شود مطرح سازیم:

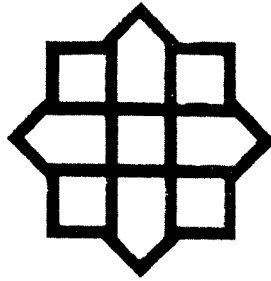
۱. ویژگی‌های اساسی اقتصاد اسلامی و فطری بودن آنها، و تأکید اسلام در این زمینه.
۲. بستر مناسبی که اسلام برای نظام اقتصادی در نظر می‌گیرد.
۳. پیوندهایی که میان نظام اقتصادی با دیگر نظام‌ها برقرار است.
۴. انعطاف‌پذیری نظام اقتصادی اسلام.

۱. ویژگی‌های اساسی اقتصاد اسلامی

با نگاهی به اقتصاد اسلامی به مثابه راه و روشی که اسلام برای رفتارهای فردی و اجتماعی در عرصه اقتصاد در نظر گرفته و مروری بر احکام اسلام در این زمینه، می‌توانیم بگوییم که مهمترین ویژگی که در اقتصاد اسلامی رعایت شده «عدالت اجتماعی» است. بدین ترتیب، اسلام با همه نظام‌های دیگری که مدعی خدمت به انسان و برآوردن آرمان‌های اجتماعی او هستند در این مورد اشتراک نظر دارد، گو اینکه در جزئیات برداشت خود از عدالت با آنها متفاوت است.

عدالت تنها با تحقق موارد زیر دست‌یافتنی است:

الف. اعتقاد به مالکیت فردی و اجتماعی به گونه‌ای به هم پیوسته، به نحوی که از یک سو نیاز طبیعی انسان به تملک نتایج کار خود و محصول فعالیت خویش برآورده شود و از دیگر سو، کار و فعالیت اجتماعی دارای محصول اجتماعی باشد تا از این طریق، نیازهای



ویژه‌ای از مردم. این کار زمینه ایجاد نظام طبقاتی را نیز از میان می‌برد.

اکنون با مروری بر این ویژگی‌ها و عرضه آنها بر فطرت و وجدان انسانی می‌توان دریافت که بشر به‌طور طبیعی آنها را می‌پذیرد. به همین دلیل است که ما معتقدیم هر دو نظام افراطی سرمایه‌داری و سوسیالیسم پس از برخورد با عوامل بازدارنده فطری به نوعی اعتدال باز خواهند گشت. متون قرآنی، فقهی و تشریحی نیز بر این امر تأکید می‌کنند و ما در اینجا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم.

خداوند متعال در خصوص فطری بودن مالکیت فردی و عمومی می‌فرماید: و ان لیس للانسان الا ما سعی». (البته اگر در تفسیر این آیه مالکیت دنیوی را نیز مشمول آن بدانیم). مولای متقیان، علی علیه‌السلام می‌فرماید: این پول نه از من و نه از آن توست بلکه خراج و اندوخته مسلمانان و ره‌آورد شمشیرهای آنان است. چنانچه در جنگ‌هایی که کرده‌اند شرکت داشته‌ای، هر آینه مانند آنان بهره‌ای خواهی برد، وگرنه دسترنج ایشان دهان کسی را جز خودشان پر نخواهد کرد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۲)

در برخی متون نیز آزادی اقتصادی به‌طور طبیعی مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله متنی است که به صورت قاعده‌ای فقهی درآمده و فقها عموماً بدان استناد می‌کنند: و الناس مسلطون علی اموالهم. البته این آزادی حد و مرزهایی دارد که در متون دیگر بدان اشاره شده است و به منافع فرد و جامعه مربوط می‌شود. متونی نیز وجود دارند که فطری بودن همیاری و همکاری را مورد تأکید قرار می‌دهند و هرگونه سهل‌انگاری در این امر را مرادف با دروغ انگاشتن روز جزا می‌دانند:

ارأیت الذی یکذب باللذین فذلک الذی یدع الیتیم و لایحض علی طعام المسکین (ماعون: ۳-۱) - آیا او را که روز جزا را دروغ می‌شمرد دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را به اهانت می‌راند و مردم را به طعام دادن به بینوا وانمی‌دارد.

و سرانجام متونی نیز وجود دارند که ضمن تأکید بر نفی اسراف و همچنین لزوم بر طرف کردن فقر، بر ضرورت تحقق تعادل در جامعه تأکید می‌کنند. حضرت علی علیه‌السلام هنگام بحث از وظایف ولی امر در برابر

اجتماعی بر طرف گردد.

ب. اعتقاد به آزادی فردی در حوزه اقتصاد به عنوان یک اصل کلی که از اصل مالکیت فردی نتیجه می‌شود؛ همچنین، التزام نسبت به پاره‌ای محدودیت‌ها که یا ضامن مصالح فردی است - مانند حرمت استفاده از چیزهایی که به لحاظ مادی یا معنوی به زیان فرد است - و یا تضمین کننده حقوق و آزادی‌های دیگران. این نیز نوعی ضمانت طبیعی است که همه مکاتب آن را پذیرفته‌اند.

ج. حداقل معیشت و نیازهای طبیعی فرد باید در جامعه اسلامی تأمین و برآورده گردد. این وظیفه برعهده دولت است که می‌تواند از طرق زیر توان اقتصادی لازم برای انجام آن را کسب کند:

... دولت اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از وظایف خود، افراد جامعه را به انجام تکالیف فردی خویش دربرآوردن نیازهای ضروری دیگران وادار نماید.

... ولی امر می‌تواند از اختیارات قانونی خود در حوزه مباحات بهره گرفته و به دولت اسلامی اجازه دهد تا از طریق تنظیم قوانین و مقرراتی، توان اقتصادی لازم را به دست آورد.

... در نظام حقوقی اسلام انفال در حوزه مالکیت عمومی قرار دارد. دولت می‌تواند از انفال برای تحقق هدف مورد نظر بهره جوید.

... در اسلام مالکیت فردی در موارد خاصی به مالکیت عمومی مبدل می‌شود، مانند مجازات‌های مالی (جریمه‌های نقدی)، اوقاف، زمین‌های بی‌صاحب و اموال متعلق به مردگانی که وارث ندارند و...

... طبیعت قانونگذاری اسلامی، به تعبیر شهید صدر (ره)، که هدف از آن تقویت ساختار اجتماعی برای تأمین چنین اهدافی است.

د: اصل تعادل اجتماعی و نفی ساختار طبقاتی در جامعه اسلامی. در بالا به وظیفه تأمین حداقل معیشت و برآوردن نیازهای ضروری افراد جامعه اشاره شد. حد مالکیت را نیز می‌توان با رعایت نکات زیر معین کرد:

۱. تحریم اسراف و تبذیر در همه زمینه‌ها.
۲. تحریم کارهایی که ثروت را به هدر دهد و جنبه لهو و لعب داشته باشد.
۳. نفی هرگونه امتیاز اجتماعی یا اقتصادی برای گروه



مستمندان می‌فرماید: از زکات آن قدر به ایشان می‌دهد که بی‌نیاز گردند.

۲. بستر مناسبی که اسلام برای نظام اقتصادی خود در نظر می‌گیرد

گنجینه ارزشمندی از متون مقدسی که جملگی بر مفاهیم و احکام متعدد و مختلف و سنت تاریخی ثابتی اشاره و تأکید دارند و اقتصاد اسلامی را شکل بخشیده و به گونه‌ای طبیعی در تحقق هدف‌های اعلام شده آن سهیمند، فرا راه پژوهشگران این عرصه قرار دارد. در اینجا به تعدادی از این احکام و مفاهیم اشاره می‌کنیم:

الف. مالک حقیقی خداست:

این از جمله مهم‌ترین حقایق است که دیدگاه انسان را شکل می‌بخشد و تأثیر فزاینده خود را بر رفتار اقتصادی فرد مسلمان بر جای می‌گذارد. ملک از آن خدای یکتای قهاری است که مالکیت اعتباری و قانونی به انسان عطا کرده تا هر کس به وظیفه خود عمل کند و بر طبق اراده خدایی و منافع و مصالحی که خداوند برای بشریت در نظر گرفته است به اعمال مالکیت خود بپردازد. این معنا دارای اثرات فزاینده‌ای در زدودن پیامدهای منفی مترتب بر نوع مالکیت مطلق سرمایه‌داری است.

ب. هدف، آبادانی زمین طی روند و مسئولیت مشترک انسانی است:

اسلام بر آن است که مسیر بشریت از آغاز تا فرجام یکی است و هدف بزرگ آن عبودیت خدای متعال و شکل‌دهی به جامعه خداپرست و زمینه‌چینی برای چنین روندی از راه آباد ساختن زمین و بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن به سود مجموعه این حرکت و انجام مسئولیت‌های مشترک است و هرگونه عدولی از این راه به مفهوم انحراف از آن هدف اصلی است.

ج. مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی در خدمت اقتصاد:

متون اسلامی سرشار از برنامه‌های اخلاقی و الایی در راستای خدمت به نظام اقتصادی اسلامی و تحقق هدف‌های آن است. در بیشتر روایاتی که برآند تا در انسان روحیه همکاری، احساس مسئولیت، برادری اسلامی،

ایثار و فداکاری و زهد، و همدردی با درد و رنج دیگران را پرورش دهند و صفات بخل و طمع و خودخواهی و تجاوز به حقوق دیگران و نفع پرستی و حرص و حسد ... را نفی کنند چنین برنامه‌هایی نهفته است. در برخی روایات امام جعفر صادق علیه السلام همه این صفات پسندیده و نیک را در شمار سربازان عقل و خرد یاد کرده و همه صفات ناپسند را به نادانی نسبت داده است که ما در اینجا نمی‌توانیم یک‌یک آنها را برشماریم یا به جزئیات تربیتی آنها بپردازیم. تنها یادآور می‌شویم که نظام اخلاقی - تربیتی اسلام، بیش از آنکه آزادی اقتصادی و امکان بهره‌برداری از آن در منافع شخصی را به انسان گوشزد کند، روح همیاری و یابوری را در وی پرورش می‌دهد. داستان معروف قارون خود تأکیدی بر همین اصل اخلاقی است: *وابتغ فیما اتاک الله الذر الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا (القصص - ۷۷)* - در آنچه خدایت ارزانی داشته سرای آخرت را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن. این داستان و اصل مذکور در آن، شعاری اسلامی با ابعاد گسترده است که اگر در جامعه حکمفرما شود کارآمدترین زمینه و بستر اجرایی نظام اقتصادی اسلام را فراهم می‌کند.

د. پرداخت‌های مستحب و زندگی آن جهانی:

در اینجا جنبه بسیار باشکوهی نهفته است که تناقض میان انگیزه‌های درونی خودپرستی از یک سو و انگیزه‌های درونی خدمت به جامعه از سوی دیگر را حل می‌کند: انسان از منظر زندگی اخروی منافع شخصی و اجتماعی را متحد می‌بیند و همین امر او را به انفاق و بخشش مداوم سوق می‌دهد زیرا (بنا به روایتی) هر کس سنت نیکویی را بنیان گذارد هم اجر آن را می‌برد و هم اجر کسی را که بدان عمل کند. اثرات ماندگار وقف نیز از همین مقوله است که با تأکید فراوان از آن یاد می‌کنیم. در «وقف» همین انگیزه‌هاست که یاری می‌کند تا مالکیت شخصی به مالکیت عمومی منتقل گردد و این چنین، تصرف همیشگی انسان در اموالش را تحقق می‌بخشد.

ه. شکر نعمت به معنای بهره‌برداری بهتر از ثروت و هدر ندادن آن است:

مشکل عمده در گستره اقتصاد جهانی در پایین بودن

نرخ رشد محصولات کشاورزی و ناهماهنگی آن با رشد جمعیت نیست بلکه این مشکل در عدم استفاده بهینه از منافع طبیعی و به تعبیر اسلامی قرآنی، کفران نعمت و هدر دادن ثروت‌های طبیعی زیرزمینی و روزمینی از یک سو و عدم توزیع عادلانه از سوی دیگر است: و اتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمة الله لاتحصوها ان الانسان لظلوم کفار (ابراهیم: ۳۴) - هر چه از او خواسته‌اید به شما ارزانی داشته است و اگر بخواهید که نعمت‌هایش را شمار کنید نتوانید که آدمی ستمکار و کافر نعمت است. شکرانه نعمت، استفاده بهتر از توان کار و هرز ندادن آن نیز هست. به همین دلیل است که در متون اسلامی، بر کار و فعالیت مداوم و حتی واجب بودن آن برای کسانی که توانایی انجام کار دارند، تأکید شده است.

و. پیوند میان معنویات و مادیات در گستره تاریخ:

این یک حقیقت جالب تاریخی است که جز ایمان‌آوردندگان به غیب و عوالم غیبی آن را درک نمی‌کنند. قرآن کریم تأکید دارد که ستم منجر به فنا می‌شود: «فیظلمهم اهلکناهم»؛ و عدل و سپاس و نیایش (الهی) به آسایش و رفاه منجر می‌شود: استغفروا ربکم انه کان غفراً یرسل السماء علیکم مدراراً و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهاراً (نوح: ۱۲ - ۱۰) - از پروردگارتان آموزش بخواهید، که او آمرزنده است، تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان بستان‌ها و نهرها بیافریند.

خود این حقیقت، امید فراوانی در دل‌ها نسبت به آینده - حتی آینده مادی - برمی‌انگیزد و راه خیزش اقتصادی و اجتماعی را هموار می‌سازد.

خود این حقیقت، امید فراوانی در دل‌ها نسبت به آینده - حتی آینده مادی - برمی‌انگیزد و راه خیزش اقتصادی و اجتماعی را هموار می‌سازد.

۳. پیوندهای نیرومندی که میان این نظام و دیگر

نظام‌ها برقرار است:

تمامی نظام‌هایی که اسلام مطرح می‌سازد در چهارچوب برنامه‌ریزی جامع زندگی قرار داشته و با یکدیگر پیوندهای تنگاتنگی دارند به گونه‌ای که نمی‌توان

بدون پیاده کردن دیگر نظام‌ها، هدف مورد نظر از هر کدام را تحقق بخشید (البته بر آن نیستیم که پیاده کردن هر نظامی مستلزم پیاده شدن همه نظام‌ها و برنامه‌های اسلام است. تأکید ما بیشتر بر تحقق همه هدف‌ها به‌طور کامل است). در جهت تأکید بر همین نکته، موارد زیر خاطر نشان می‌گردد:

الف. در برنامه‌ها و نظام‌های اجتماعی اسلام، گستره‌ها و مناطق خالی در نظر گرفته شده که باید از سوی ولی امر (یا کسی که او تعیین می‌کند، مانند قاضی) و طبق اجتهاد و تشخیص او نسبت به شرایط وقت و مصلحت است، برگردد. در مورد نظام اقتصادی، نظام حقوقی و جزایی، نظام وقف، معاملات، ارث و غیره این نکته مشهود است و به معنای ارتباط کامل این گونه نظام‌ها با نظام سیاسی حاکم است.

ب. نظام اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با نظام عبادی دارد که گاه این پیوند و ارتباط با تقارن نماز و زکات در دهها آیه قرآنی تعبیر شده است و اینکه زکات و خمس دو گونه عبادت مالی و کفاره نقدی به شمار می‌روند که در حقیقت نوعی عمل اقتصادی در چهارچوب نظام عبادی و در خدمت منافع اقتصادی عمومی است. فراموش نکنیم که عبادات عناصر زمینه‌ساز اقتصادی را که بدان‌ها اشاره کردیم فراهم می‌آورند، همچنان که مثلاً در روزه و حج چنین است؛ و عباداتی نیز هست که قویاً در خدمت مالکیت عمومی قرار می‌گیرد، که وقف از این دسته است؛ مشروط بر اینکه نیت قربت در آن مطرح باشد.

ج. نظام اقتصادی، هدف‌ها و ویژگی‌های آن:

نظام اقتصادی طبیعتاً دارای پیوندهای نیرومند با نظام معاملاتی است که در حقیقت برای فراهم آوردن جو مناسب برای تحقق عناصر همیاری و تعادل و مالکیت مزدوج (شخصی و عمومی) در نظر گرفته و تنظیم شده است. این نظام روی عنصر کار انگشت می‌گذارد و ربا خوردن، مال حرام، لهو و به هدر دادن ثروت را منع می‌کند.

د. پیوند کامل و همه جانبه‌ای نیز میان نظام اقتصادی اسلام از یک سو و نظام جهاد از سوی دیگر وجود دارد که برخاسته از دلایل وجودی این نظام روش‌های جهادی و پیامدهای آن از نظر مالکیت غنایم و غیره می‌باشد.

۵. رابطه و پیوند همه جانبه نظام اقتصادی با نظام اجتماعی بنا به چگونگی تشکیل سلول اصلی جامعه، یعنی خانواده، و نیز پیوندهای اجتماعی خانواده‌ها با یکدیگر و روابط فرد با جامعه که مبتنی بر یکسری قواعد اجتماعی اسلامی است، جای هیچ تردیدی ندارد. از جمله این قواعد اجتماعی یکی قاعده تأمین و دیگری قاعده تعادلی است که مهمترین ویژگی و معیار در اقتصاد را تشکیل می‌دهند و بارها ما این نکته را خاطر نشان ساخته‌ایم. احکام مربوط به مهریه، نفقه، گونه‌های تقسیم کار اجتماعی، مسائل ارث، وصیت، احکام فرزندان، مسائل قضا، تعزیرات و مجازات‌های مالی و بسیاری از این قبیل که جای ذکر همه آنها در اینجا نیست، در این چهارچوب می‌گنجند.

مرحوم آیت‌الله صدر در بحث از این پیوندها، انواع دیگری از آنها را نیز بر شمرده‌اند که می‌توان به پیوند میان مکتب اقتصادی و سیاست مالی دولت، که در واقع بخشی از برنامه‌ریزی دولت برای اجرای احکام اقتصادی اسلام به شمار می‌رود و بنابراین بخشی از خود اقتصاد است، اشاره کرد.

ز. پیش از این به پیوند مستحکم نظام اقتصادی اسلام از یک سو و نظام اخلاقی آن از سوی دیگر اشاره داشتیم. این پیوند به حدی است که نظام اخلاقی را به یکی از زمینه‌سازهای اصلی و عنصر محرک امت در پیاده کردن نظام اقتصادی و تحقق اهداف آن بدل می‌کند، تا آنجا که به دشواری می‌توان این دو نظام را از یکدیگر جدا دانست.

یک نکته مهم:

در ادامه سخن مایلیم اشاره کنیم که اسلام همه زندگی را به عنوان یک کل مورد نظر قرار داده و بهترین نظام و آیینی را که به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده و براساس عدالت و انصاف به هدفش می‌رساند، برای آن وضع نموده است حال آنکه جهان منهای دین، امروزه در گزینش نوع نظام ایده‌آل خود برای حفظ کرامت انسانی و توزیع مسئولیت‌ها و برقراری حقوق و... سراسیمه است و هم از این روست که نظام‌های اجتماعی یکی پس از دیگری فرو می‌پاشند و به ناکامی خود اذعان می‌کنند و تنها اسلام به عنوان دین پابرجا، استوار و فارغ از پیچیدگی و ابهام باقی می‌ماند.

به عنوان نمونه و مثال روی شعاری انگشت می‌گذاریم که جهان یاد شده با اعطای جنبه بین‌المللی و گسترده به آن موجی فراگیر و عاطفی - روانی به وجود آورده است، یعنی شعار برابری زن و مرد در هر حال و در همه حقوق و در هر زمان و مکان و هر زمینه و بدون استثنا. این شعار اخیراً نیز دهها بار در اسناد پیشنهادی کنفرانس‌های متعدد، از جمله مکزیک، شیلی، بخازست، قاهره و همین اواخر نیز در کنفرانس پکن راجع به زن تکرار شده است و در کنفرانس اخیر روی مسئله ارث و ضرورت مساوات کامل مادی در این عرصه و نیز برابری در امر قضا و همچنین حقوق جنسی آزاد برای همه سطوح سنی و... انگشت گذارده شد.

به اعتقاد ما، این شعار، به رغم برخورداری از ظاهری فریبنده و جذاب، یک فراخوان کور است چرا که برابری از جمله اصولی است که ذوق انسانی زن و مرد که واقعاً از نظر کرامت و شرافت انسانی با هم برابرند کاملاً می‌پسندد. ولی باید توجه داشت که این شعار نمی‌تواند اصلی کلی قلمداد شود که هیچ استثنایی بر آن مترتب نیست. تفاوت‌های طبیعی در ترکیب جسمی و عاطفی زن و مرد را نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین، نوع وظیفه و مسئولیت‌های محوله به هر کدام و میزان مشارکت آنها در ساختار اجتماعی را که تحقق بخش عدالت اجتماعی ایده‌آل است نمی‌توان نادیده انگاشت. با توجه به این امر چگونه می‌توان شعار مساوات و برابری فیزیکی را بی‌توجه به تعادل مطلوب سرداد؟ مگر نه این است که چه بسا با شعار برابری، ستمگری و بی‌انصافی روا شمرده می‌شود؟ هنگامی که اصل برابری در تضاد با اصل عدالت اجتماعی باشد، کدام یک را باید مقدم دانست؟ بی‌تردید، این اصل عدالت است که به گواهی وجدان باید تعیین کننده باشد و استثنایی نپذیرد و در واقع اصل برابری را مقید می‌سازد. در حقیقت می‌توان گفت اصل عدالت جنبه اجتماعی ایده‌آل را به اصل برابری عطا می‌کند.

ما با کمال تأسف شاهد چنین موج فراگیر و کوری هستیم که بی‌محابا مطرح می‌گردد و حتی به نظام ارثی اسلام نیز ایراد وارد می‌کند و فراموش می‌کند که نظام ارثی اسلام جزئی از یک کل است و تناسب بسیار جالبی میان این نظام از یک سو و نظام نفقه (هزینه‌های جاری

زندگی که به عهدهٔ مرد است) و وظایف هر کدام از زن و مرد در زندگی اجتماعی از سوی دیگر، وجود دارد.

۴. انعطاف‌ناپذیری نظام اقتصادی اسلام:

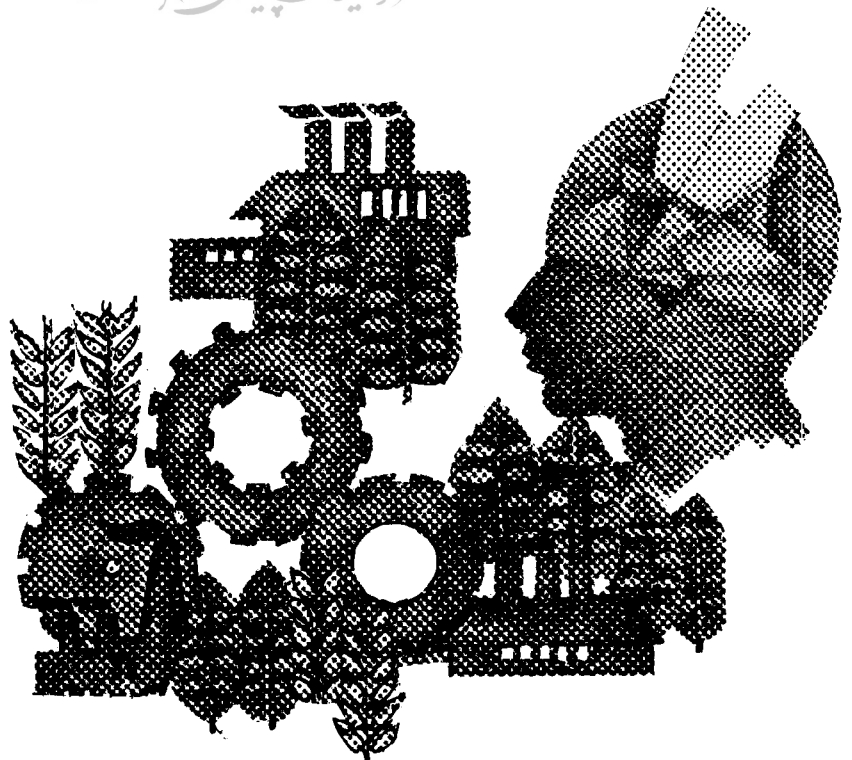
این جنبه، برخاسته از ویژگی انعطاف‌پذیری در کلّ شریعت اسلامی است که ما در اینجا از زاویهٔ اقتصادی آن را مطرح می‌سازیم.

به‌طور کلی می‌توان گفت که اسلام نظام اقتصادی خود را برخوردار از همه‌گونه عناصر ضروری ساخته به نحوی که پاسخگوی دگرگونی‌های زندگی در عرصهٔ اقتصادی باشد، دگرگونی‌هایی که فراوان و شتابنده هستند زیرا اقتصاد عرصه‌ای است که به پیچیدگی‌های اجتماعی انسان و نیز به سخاوت طبیعت و به شرایط محیطی مناسب و غیره مربوط می‌شود.

از نظر نحوهٔ توزیع زمین و مالکیت آن، طبیعی است که تفاوت بسیاری میان حالت فراوانی زمین و توان کار دستی انسان روی زمین و حالت کمبود و تنگنای فزایندهٔ ناشی از نرخ بالای رشد جمعیت از یک سو و توان

تکنولوژیک عظیم انسان در بازیابی زمین و غیره وجود دارد. این تفاوت مسلماً روی مسئلهٔ مالکیت و تعلق به زمین به عنوان عاملی برای مالکیت و مسئلهٔ رشد اجتماعی، مسئلهٔ مالکیت معادن و مالکیت عمودی - در عمق و ارتفاع - و مالکیت انرژی و... تأثیر خود را بر جای می‌گذارد. حتی می‌توان پا را از این هم فراتر گذاشت و تأثیر آن را بر مسئلهٔ تغییر نوع و پیامدهای روابط مالکیت هم مشاهده کرد به گونه‌ای که برخی مجتهدان از مالکیت مطلق زمین فاصله می‌گیرند و به (مالکیت) موضوع (حق اختصاص) برخاسته از اثر ساختهٔ انسان بر روی آن گرایش پیدا می‌کنند. در این اجتهاد، چنانچه اثر یاد شده از میان رود، حق نیز از میان می‌رود و (زمین) مجدداً به صورت مشاع و مباح در می‌آید که دولت اسلامی بنا به مصلحت عمومی، در آن تصرف می‌کند.

از اینجاست که در می‌یابیم وجود عنصر «اجتهاد» و گشودن این باب، خود یکی از عناصر انعطاف‌پذیری است که برای شناخت اثر پیشرفت و تحولات بر چند و چونی حکم (شرعی) استنباطی از متون (فقهی شرعی و قرآنی)



نمی‌توان از آن بی‌نیاز بود.

گو اینکه اسلام برخی قواعد اقتصادی گسترده را مطرح ساخته و آنها را با مفاهیم عرفی رایج پیوند داده است، مفاهیمی از قبیل «اسراف و تبذیر»، «فقر و غنی»، «نفقۀ متعارف»، «منفعت حلال‌کننده» و نیازهای ضروری، به عنوان مثال، «ماعون» (اسباب و وسایل خانه)، «ربا»، «مثلیه و قسیمیه»، «کساد و بازارگرمی پول نقد»، «ضمنان»، «زیان فردی و اجتماعی»، «حرج» (ناگزیری)، «ضرورت»، «مصلحت عالی»، «حق تقدم در وقف»، «عقدیه»، «بیعیه»، «تجارت»، «توافقی»، «قماریه»، «لهو»، و حتی «عدالت و ستم و تجاوز و خوردن مال باطل»، (مفاهیم یاد شده با اصطلاح‌های فقهی اسلامی آنها به زبان عربی یا نزدیک‌ترین تعبیر فارسی آورده شده است) مفاهیمی هستند که عرف، متناسب با تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییراتی در آنها ایجاد می‌کند و حکم شرعی آنها نیز متناسب با دیدگاه عرفی موضوع، تفاوت می‌یابد و نمونه روشن آن مسئله شطرنج است که دیده‌ایم.

با این حال مهم‌ترین عنصری که نظام اسلامی روی آن انگشت می‌گذارد عنصر دخالت ولیّ امر مجتهد عادل در زندگی اقتصادی است. این دخالت - البته - دارای قواعد و ضابطه‌های خود و نیز به گفته مرحوم آیت‌الله صدر، نوافکن‌های روشنگری است که جهت‌گیری‌های اسلام را نشان می‌دهد و روح نظام و هدف‌های مورد نظر را بدان می‌دهد. بر ولیّ امر امت است که با بهره‌گیری از توان اجتماعی خویش و پابندی اصیلی که به اسلام و مصلحت اسلامی امت دارد، با مشورت کارشناسان و متخصصان امر به وظایف خود بپردازد. مهم‌ترین این وظایف عبارتند از:

۱. در نظر گرفتن بهترین شیوه‌ها و برترین راه‌های اجرایی برای پیاده کردن احکام ثابت الهی. به عنوان مثال، بررسی بهترین شیوه نفی ربا در جامعه ضمن حفظ فعالیت‌های مثبت و سازنده‌ای که بانک‌ها به عمل می‌آورند.

۲. پر کردن گستره مباحات با قوانینی که حتی الامکان ضمن حفظ احکام اولیه موارد گوناگون مصالح عالیۀ اسلام را تحقق بخشد.

۳. در نظر گرفتن میزان هماهنگی و تناسب شرایط با

امکان اجرای احکام و نظام‌های اسلامی: چنانچه فقیه به این نتیجه برسد که ناهماهنگی در این زمینه به حدی است که علمای اصول از آن به «تزام» تعبیر می‌کنند و منظور تناقض میان وجوب اجرای حکم از یک سو و مترتب شدن مفاسدی (در صورت اجرای حکم) است، در این صورت، فقیه باید بهترین و برترین راه‌حلی را که متضمن اجرای حکم همراه با حداقل نتایج منفی باشد، در نظر گیرد. اگر چنین چیزی امکان‌پذیر نشد باید از باب ترجیح و اهمیت نسبی که باب وسیع و گسترده‌ای است وارد شود و از کارشناسان و اجتهاد مجتهدین پیروی کند. ای بسا در این مورد، وضع به معطل گذاشتن اجرای حکمی به دلیل اهمیت نسبی رفع مفاسد مترتب بر اجرای آن منجر گردد. این برون‌رفت بسیار دقیق و حساسی است که جز در حالت‌های بسیار نادر، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. نمونه‌های چنین حالتی تدریجی بودن حکم ربا یا حکم خمر در صدر اسلام، و یا تدریجی بودن اجرای برخی احکام ربا در دوران کنونی است.

چند نتیجه

از آنچه گفته شد می‌توان برخی نتایج عملی را برداشت کرد که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. چه بسیار شنیده یا دیده‌ایم کسانی را که به ایده‌التقاط مکتب و نظام (اقتصادی) معتقدند و سعی دارند در یک محیط اسلامی، نظام اقتصادی سوسیالیستی یا سرمایه‌داری را مطرح سازند یا در جوامع غیردینی و به اصطلاح لائیک، در صدد بهره‌گیری از نظام‌های اسلامی و پیاده کردن آنها هستند و آنگاه که به نتایج دلخواه نمی‌رسند، نظام را مورد نکوهش قرار می‌دهند و بی‌توجه به ناهماهنگی میان آن و زمینه و بستر اجرایی، نظام را مقصّر قلمداد می‌کنند. در این زمینه از دو تجربه شکست خورده می‌توان یاد کرد:

تجربه اول: به مورد اجرا گذاردن گونه‌ای نظام سوسیالیستی در جهان اسلام و ناکامی فاحش آن، آنچنان که در الجزایر (دوره ریاست جمهوری بومدین) و لیبی مطرح گردید.

تجربه دوم: اجرای طرح صندوق‌های قرض‌الحسنه در پرتو رژیم‌های لائیک که نتایج ناخوشایندی در پی داشت

و کسانی را واداشت تا طرح را مورد حمله قرار دهند و بی توجه به فقدان زمینه و شرایط مناسب برای پیاده کردن چنین طرح‌هایی، آنها را «وصله ناجور» توصیف کنند.

۲. ما در جوامع اسلامی خود اگر بخواهیم نتایج رضایت‌بخشی به دست آوریم باید زمینه مناسب این کار را فراهم آوریم، ایمان و اعتقاد به خدا را عمق بخشیم و اخلاق و الای اسلامی را گسترش دهیم و مفاهیم اسلامی مرتبط با جنبه‌های اقتصادی را بیشتر توضیح دهیم و توده‌ها را بدان کاملاً آگاه سازیم و در جهت تحریک احساسات و عواطف مردم و جنبه اسلامی بخشیدن به آن بکوشیم و... و اگر چنین نکردیم نباید انتظار نتایج مطلوب را داشته باشیم...

در اینجا ناگزیر باید به روش آگهی (بازرگانی) بانک‌ها در مورد پس‌انداز اشاره کرد، چه بیشتر روی سودهای حاصل از پس‌انداز در صندوق‌های قرض‌الحسنه و نیز روی جایزه‌هایی که انتظار صاحبان پس‌انداز را می‌کشد تأکید می‌گردد و کمتر بر ثواب بزرگی که بر اثر مشارکت در احیای اقتصاد عمومی و خدمت به جامعه از طریق اعتبارهای بانکی و مشارکت‌های مالی حاصل می‌شود، و نیز آیات و روایات و احادیث مربوط به این امر پسندیده، انگشت‌گذارده می‌شود.

۳. پیشنهاد می‌کنیم بانک‌های اسلامی یا بانک مرکزی، کمیته‌ای فقهی متشکل از فقهای بزرگ تشکیل دهند و یا مجتهدین حوزه‌های علمیه خود به مطالعه و بررسی فقهی صلاحیت‌ها و جنبه‌های مختلف نظام‌ها و طرح‌های اقتصادی، بانکی و مالی پردازند به گونه‌ای که به‌طور مداوم و پیوسته، نقطه نظرهای خود را درباره طرح‌های تازه ارائه دهند.

پرداختن به مواردی چون بیع سلم (پیش‌فروش)، سلم مماثل (نوعی پیش‌فروش)، بیع استضعاف (فروش سفارش)، قراردادهای واردات کالا، قرارداد مرابحه و از این قبیل می‌تواند به بانک توان مانور اقتصادی بیشتر ببخشد و این کاری بود که مرحوم شهید صدر در طرح معروف خود، «بانک غیربایی»، بیست و پنج سال پیش انجام داد و در طرح بانکداری جمهوری اسلامی نیز مطرح شده است.

اجتهاد سرچشمه‌ای جوشان و قواعد اسلامی

چشمه‌های پربرکتی است که مسلماً می‌تواند ما را در حفظ جنبه‌های اسلامی و روح اسلام و نیز در چیرگی بر دشواری‌های زندگی کنونی یاری دهند. از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را در خدمت به شریعت تابان اسلام موفق بدارد.

پانویس:

* این نورافکن‌های روشنگر را می‌توان تأکید قرآن بر عدم انجام کاری که ثروت را تنها در حیطه ثروتمندان قرار می‌دهد و نیز تأکید بر ضرورت منع «بوس بازی» با پولی که خداوند آن را شالوده جامعه قرار داده است و سرانجام برخی متونی که تأکید دارند هدف تجارت، جلب منفعت است و همچنین ممانعت از حج به دلیل مفاسدی که بر آن مترتب می‌شود و از این قبیل دانست.

